

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



سرگردانی استراتژیک

رویکرد کلی ترامپ در قبال خاورمیانه دچار سرگردانی استراتژیک است. این رویکرد به جای آنکه یک رویکرد منسجم، باثبات و فعالانه با هدف پیشبرد اهداف اعلام‌شده ترامپ باشد، بیشتر توسط نیروهای خارج از ایالات متحده پیش برده می‌شود. تقریباً سه ماه پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و ایران پرسش‌های کلیدی درباره قابلیت بقای آینده برنامه هسته‌ای ایران، نیت آن و همچنین نقش گسترده‌تر این کشور در منطقه بی‌پاسخ مانده است. تهران اخیراً از سرگیری مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای خود را رد کرد و کشورهای اروپایی این هفته تاکتیک‌های تأخیرآمیز نظام ایران را در حالی که ضرب‌الاجل بازگرداندن تحریم‌های فوری سازمان ملل علیه ایران نزدیک می‌شود، محکوم کردند. اما علامت سوال بزرگ‌تری در جبهه اسرائیل-فلسطین و اینکه دولت ترامپ چه رویکردی در پیش گرفته‌است، وجود دارد. در حال حاضر، اسرائیل با عملیات نظامی جاری خود در غزه، علاوه بر اقداماتی مانند حمله به مقامات حماس در قطر در اوایل ماه جاری، در حال شکل دادن به پویایی‌ها است. تیم ترامپ در هفته‌های اخیر در این جبهه تا حد زیادی منفعل بوده و به دیگران اجازه داده است تا شرایط را تعیین کنند. بنا به گزارش‌ها، ترامپ هفته گذشته در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، ایده‌هایی درباره وضعیت پس از جنگ در غزه را به رهبران عرب و مسلمان ارائه داد، در حالی که کشورهای اروپایی برنامه‌های خود را تدوین می‌کنند. اوایل سپتامبر، واشنگتن پست گزارش داد که دولت ترامپ در حال بحث درباره جابه‌جایی گسترده فلسطینی‌ها بوده است. اما این ایده‌ها از زمان بازگشت ترامپ به قدرت، در حال شکل‌گیری و آشکار شدن بوده‌اند. ساخت یک شهر هوشمند توریستی که توسط هیئت امنایی آمریکایی اداره شود، از همان روزهای نخست دولت دونالد ترامپ مطرح شده‌بود اما اگر یک چیز در دوران ترامپ، هم در دوره اول و هم تاکنون در دوره دوم او، ثابت بوده باشد، آن بی‌اهمیت جلوه دادن مردم فلسطین و تلاش در معنایی بسیار واقعی برای پاک کردن فکری آنها از نقشه آینده خاورمیانه است. واقعیت این است که سلف ترامپ، جو بایدن نیز برای اولویت‌بندی مسئله فلسطین کار چندانی نکرد، به‌خصوص در نیمه اول دولتش، و تنها با تأخیر و به صورت اتفاقی هنگامی که فرصت کوچکی برای توافق عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان سعودی دید، کمی به فلسطینی‌ها توجه نشان داد.

اظهارات ترامپ در هفته‌های اولیه دولت دوم خود مبنی بر اینکه آمریکا کنترل غزه را به دست خواهد گرفت، از جمله ویدیوی عجیب تولیدشده توسط هوش مصنوعی درباره ایجاد رویه‌رای غزه، از قبل به دیدگاه‌های نواستعماری که در ذهن تیم ترامپ می‌گذشت، اشاره داشت. دیوید شنکر، دیپلمات ارشد ایالات متحده در امور خاورمیانه در دولت اول ترامپ، این طرح را خیالی خواند. دو مشکل عملی اصلی که به طور خردکار این چشم‌انداز را به یک توهم تبدیل می‌کند: اکثر فلسطینی‌ها پراکنده‌ای برای ترک‌غزه ندارند و کشورهای اصلی عربی این ایده‌ها را نمی‌پذیرند، به‌ویژه در حالی که کشورهایمانند عربستان سعودی بر نیاز به یک مسیر روشن به سمت راهکار دودولتی تمرکز دارند. پیام اصلی که این هفته از سوی بسیاری از کشورها که به‌طور نامدین کشور فلسطین را به رسمیت نمی‌شناسند، به پرزیندت ترامپ ارسال می‌شود این است که آرزوهای او برای یک توافق عادی‌سازی گسترده‌تر بین اسرائیل و عربستان سعودی تا زمانی که او در پرورنده اسرائیل-فلسطین منفعل بماند، به جایی نخواهد رسید. یک صلح جامع و پایدار در خاورمیانه نمی‌تواند مانند یک جاده شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه باختری ساخته شود که فلسطینی‌ها را دور می‌زند. این کارساز نخواهد بود. تمام نگاه‌ها به نشست محوری هفته آینده در واشنگتن بین بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و ترامپ خواهد بود. در سه دیدار اولی که این دو رهبر امسال داشتند، هر دو نشان دادند که سیاست‌های منطقه‌ای آنها عمدتاً بر تاکتیک‌های نظامی همراه با تلاش‌های ارتباطی استراتژیک تهاجمی استوار است. اما این رویکرد الگویی برای صلح و امنیت نیست- این به معنای حملات بدون استراتژی است. ایجاد توافقات دیپلماتیک که زندگی‌ها را بازسازی کرده و صلح به ارغان می‌آورد، بسیار دشوارتر از ازبین‌بردن دشمنان در عملیات نظامی است.

دیپلماسی



عکس: Reuters

کاغذپاره‌های خطرناک

محتوای ۶ قطعنامه پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد که از طریق اسنپ‌بک مجدداً اجرایی می‌شود، چیست؟



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

عده‌ای در ایران آنها را کاغذپاره می‌نامیند و عده‌ای دیگر هم آن را نعمت تلقی می‌کردند. هر چه بود، تحریم‌هایی که شش قطعنامه متوالی سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ علیه ایران وضع کردند، بسیار گسترده و جامع بودند و بسیاری از بخش‌های اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار دادند. رشد اقتصادی ایران که تا پیش از تحریم‌ها در حدود ۶ درصد در سال رسیده‌بود، با تشدید تحریم‌ها در سال ۲۰۱۲ بر اساس آمار به منفی ۸ درصد رسید. براساس تخمین جیکوب‌لو، وزیر خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۵، تحریم‌ها باعث شد که اقتصاد ایران بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کوچک‌تر از حجمی باشد که بدون تحریم‌ها می‌توانست به آن برسد. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ ارزش ریال حدود ۵۶ درصد افت کرد و تورم به نزدیک ۴۰ درصد رسید. شش قطعنامه ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ در طول چهار سال از دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و دوران مذاکرات هسته‌ای علی لاریجانی و سعید جلیلی تصویب شدند. در این قطعنامه‌ها به تدریج تحریم‌های وسیع‌تر و گسترده‌تری علیه تمام بخش‌های اقتصاد ایران به بهانه توسعه برنامه هسته‌ای و موشکی وضع می‌شد. این قطعنامه‌ها از تحریم مستقیم تجهیزات نظامی و دفاعی گرفته تا توقیف و بازرسی کشتی‌ها و هواپیماها به بهانه کشف موادتحریم‌شده را شامل می‌شدند. هرچند تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد شامل تحریم‌های گازی و نفتی نبودند، اما آمریکا و اتحادیه اروپا در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ تحریم‌های فروش نفت و گاز را نیز علیه ایران به صورت یکجانبه علاوه بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد اعمال کردند. به گزارش شورای روابط خارجی آمریکا تخمین‌ها نشان می‌دهد که ایران تنها در سال ۲۰۱۲ حدود ۱۶۰ میلیارد دلار عدم نفع در حوزه فروش نفت خام داشته‌است. اثر تحریم‌ها زمانی مشخص شد که آذرماه سال ۱۳۹۲، چند ماه بعد از آغاز به کار دولت روحانی، با توافق موقت ژنو بین ایران و آمریکا برای توقف اجرای بخشی از تحریم‌ها، بلافاصله تورم تقریباً نصف شد و انقباض اقتصادی کشور متوقف شد و در پایان سال ۱۳۹۳، ایران بعد از تحمل ۸ فصل متوالی رشد منفی اقتصاد، مجدداً رشد مثبت را تجربه کرد و رشد اقتصادی به ۳ درصد رسید. اما تحریم‌هایی که در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران وضع شده‌بودند، چه تحریم‌هایی بودند و چه بخش‌هایی از کشور را تحت تحریم قرار می‌دادند؟ آیا بازگشت این قطعنامه‌ها مشابه سال‌های ابتدای دهه ۱۳۹۰ می‌تواند اثربخش باشد یا به دلیل گذشت نزدیک به ۲۰ سال از تصویب نخستین قطعنامه، دیگر این تحریم‌ها اثر بخشی سابق را ندارند؟

▼ دست‌بندی کلی تحریم‌ها

تحریم‌ها و محدودیت‌هایی را که بر اثر اجرای مجدد ۶ قطعنامه پیشین شورای امنیت، همه کشورهای جهان موظف به اجرای آن می‌شوند، می‌توان در پنج دسته قرار داد. اصلی‌ترین شکل تحریم‌ها و محدودیت‌های ذکرشده در قطعنامه‌ها شامل موارد زیر است:

۱- منع‌های هسته‌ای و موشکی: این قطعنامه‌ها ایران را از اقدامات مرتبط با برنامه هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم، بازفرآوری پلوتونیوم، پروژه‌های راکتور آب سنگین، تحقیق و توسعه هسته‌ای و برخی سرمایه‌گذاری‌های خارج از کشور در حوزه هسته‌ای منع می‌کند و برنامه موشکی ایران را محدود می‌کند.

۲- تحریم‌های هسته‌ای و موشکی: این قطعنامه‌ها صادرات واردات (تجهیزات، مواد، کالاهای فناوری‌هایی که می‌تواند در برنامه‌های هسته‌ای ایران کاربرد داشته‌باشد، ممنوع می‌کند.

۳- تحریم سلاح‌های متعارف: این قطعنامه‌ها صادرات و واردات مجموعه‌ای از تجهیزات نظامی و سلاح‌ها از جمله تانک، خودروهای زرهی، توپخانه‌ها، جنگنده‌ها، هلی‌کوپترهای تهاجمی، ناوهای جنگی، موشک‌ها و سامانه‌های موشکی را منع می‌کند و همچنین

آموزش‌های فنی را ممنوع می‌کند.

۴- محدودیت‌های بانکی: این قطعنامه‌ها از کشورهای جهان می‌خواهد که فعالیت‌های بانکی را که ممکن است به فعالیت‌های هسته‌ای یا تسلیحاتی ایران کمک کند، ممنوع کنند.

۵- تحریم‌های فردی و نهادهای: این تحریم‌ها دستور مسدودسازی دارایی‌های فهرستی از افراد و نهادهای را در خارج از خاک ایران می‌دهد و همچنین سفر آنها را نیز به خارج از کشور منع می‌کند. فهرست سازمان ملل متحد شامل افراد و نهادهایی است که در زمینه هسته‌ای و موشکی فعالیت داشته‌اند. همچنین براساس قطعنامه ۱۷۳۷ یک کمیته برای به‌روزرسانی و تکمیل این فهرست تشکیل می‌شود که تعداد افراد تحت تحریم را افزایش می‌دهد.

براساس قوانین، همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، موظف به اجرای این تحریم‌ها و محدودیت‌ها خواهند بود، اما در عین حال به‌خصوص با توجه به موضع‌گیری روسیه و چین در خصوص غیرمشروع بودن اسنپ‌بک، تردیدهایی وجود دارد که همه کشورهای جهان این تحریم‌ها را اجرا کنند. اساساً مفهوم اسنپ‌بک، یک مفهوم کاملاً نوین در تاریخ ۸۰ ساله سازمان ملل متحد تاکنون فرآیند تعلیق قطعنامه‌ها و بازگشت آنها پس از چندین سال رخ نداده‌است. آنچه باعث می‌شود اجرای این تحریم‌ها نسبت به دوره پیشین (پیش از سال ۲۰۱۵) مشکل‌تر شود این است که برخی از کشورهای جهان، از جمله ایران، روسیه و چین، اساساً درخواست اروپا برای اسنپ‌بک را به دلایل مختلف، از جمله اجرانشدن تعهدات طرف‌های اروپایی، خروج آمریکا از برجام و طی نشدن فرآیند قانونی در خواست اسنپ‌بک، غیرمشروع تلقی می‌کنند. این اختلاف‌نظر بنیادین باعث می‌شود که اجرای این ۶ قطعنامه خاص با مشکلاتی مواجه شود، چراکه در مورد مشروعیت بازگشت آنها حتی درون شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز اختلاف‌نظر وجود دارد.

▼ تحریم‌های هوشمند

برخی از مقام‌ها و تحلیل‌گران ادعا می‌کنند که تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران مربوط به دو دهه پیش هستند و اکنون به اندازه گذشته اثرگذاری نخواهند داشت. اما واقعیت این است که دو قطعنامه ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹، نحوه اجرای تحریم‌ها را نه به صورت تحریم‌های حکاکی‌شده بر روی سنگ، بلکه به صورت تحریم‌های سیال و هوشمند تنظیم کرده‌اند، به این ترتیب که در این قطعنامه‌ها نخست تشکیل کمیته‌ای برای تکمیل و به‌روزرسانی فهرست افراد و نهادهای تحت تحریم ایرانی تنظیم شده‌است که اجازه می‌دهد به صورت روزمره تعداد افراد، نهادهای، کشتی‌ها و مقام‌های ایرانی تحت تحریم‌های بین‌المللی و مسدودی دارایی‌ها و منع سفر افزایش پیدا کند. در عین حال پنل کارشناسان تعیین‌شده در قطعنامه ۱۹۲۹ مسئول رسیدگی به نحوه اجرای تحریم‌ها است و به گونه‌ای طراحی شده‌است تا راه‌های دور زدن تحریم‌ها توسط ایران را مسدود کند، به صورت مرتب به شورای امنیت در مورد همکاری کشورها با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران گزارش بدهد و همچنین مشخص کند که چه راه‌های موثرتری برای اجرای دقیق‌تر تحریم‌ها وجود دارد. با عنایت به محتوای قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹ که نظر می‌رسد که استدلال کهنه بودن تحریم‌ها و ناهمگونی آن با وضعیت جاری، چندان استدلال قوی نباشد. عده‌ای دیگر نیز استدلال می‌کنند که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از تحریم‌های شورای امنیت است و بازگشت این تحریم‌ها اثری در وضعیت ایران بر جان نمی‌گذارد. این استدلال نیز بسیار ضعیف است، چراکه تحریم‌های یکجانبه آمریکا مکمل تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، مطالبه غنی‌سازی صفر را که امروز به صورت یکجانبه از سوی آمریکا درخواست می‌شود به یک الزام حقوق بین‌المللی تبدیل می‌کند و در عین حال همه کشورهای جهان را موظف به اجرای تحریم‌هایی سختگیرانه علیه ایران می‌کند. تمامی تحریم‌های لغوشده موشکی و تجارت سلاح‌های متعارف که دو سال پیش لغو شد، مجدداً اجرایی خواهند شد و علاوه بر آن بر اساس

نگاه هم‌میهن

قطعنامه ۱۹۲۹ تمامی کشورهای جهان در هر نقطه‌ای که اراده کنند، می‌توانند کشتی‌ها و هواپیماهای عازم ایران یا از مبدأ ایران را توقیف و به بهانه تردید در مورد وجود کالاها، مواد یا تجهیزات مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی بازرسی کنند. همچنین مانند سال‌های اجرای قطعنامه، که چندین مورد گزارش توقیف کالاهایی به مقصد ایران از جانب امارات متحده عربی و بحرین به شورای امنیت ارسال شد، بسیاری از کالاهای فناوری بالا (برای مثال قطعات فیبرکربن) که کاربری‌های دوگانه دارند و در بسیاری از صنایع به جز هسته‌ای و موشکی کاربرد دارند، توسط کشورهای منطقه و جهان قابل توقیف خواهند شد. نکته اینجاست که امروزه در غیاب تحریم‌های شورای امنیت، هیچ کشوری نه موظف است و نه اقدامی در جهت توقیف کالاهایی که به سمت ایران ارسال شده‌اند انجام می‌دهد، اما با بازگشت این قطعنامه‌ها ممکن است فرآیند بازرسی و توقیف این کالاهای از سر گرفته‌شود. به‌ویژه اینکه، امارات متحده عربی که در گذشته نیز با این قطعنامه‌ها همکاری کرده‌است، شریک دوم تجارت خارجی ایران محسوب می‌شود و بسیاری از کالاهای وارداتی ایران از نقاط مختلف جهان از خاک امارات متحده عربی به ایران وارد می‌شود.

▼ قبل از نخستین قطعنامه

همه چیز از دور روز قبل از آغاز به کار محمود احمدی‌نژاد، ششمین رئیس‌جمهور اسلامی ایران شروع شد. سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، بنا به تصمیم نظام، پس از شکست مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی برای حل‌وفصل اختلاف‌های هسته‌ای، اعلام کرد که به دلیل فقدان پیشنهاد جدی از سوی اروپا، پلمب کارخانه یوسیف اف اصفهان فک می‌شود. این تصمیم به معنای از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود که در تفاهم با اروپا برای رسیدن به یک راهکار مذاکره‌شده، موقتاً تعلیق شده‌بود. ۱۱ روز بعد، زمانی که محمود احمدی‌نژاد رسماً کار خود را آغاز کرد، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه ۶۷-۲۰۰ را علیه ایران صادر کرد. این قطعنامه از ایران می‌خواست که تمام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و ساخت راکتور آب سنگین را متوقف کند. ایران تا پیش از پایان دولت سیدمحمد خاتمی، و زمانی که حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، در چارچوب مذاکرات با سه کشور اروپایی برنامه‌های غنی‌سازی و ساخت راکتور آب سنگین خود را داوطلبانه تعلیق کرده‌بود و پروتکل‌های الحاقی را داوطلبانه اجرا می‌کرد. اما در آستانه روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، این فعالیت‌ها به دلیل ناتوانی سه کشور اروپایی از ارائه پیشنهادی که به حل و فصل بحران هسته‌ای بیانجامد، از سر گرفته‌شد. با گزارش اسفند ۱۳۸۴ محمد البرادعی، مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای حکام، در مورد مسائل باقیمانده پادمانی و ناتوانی ایران از پاسخ به سوالات آژانس و قطعنامه ۱۴-۲۰۰۶ شورای حکام آژانس، پرورنده ایران رسماً به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده‌شد تا سرنویشت برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت رقم بخورد. در این دوران، علی لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی پرورنده را از حسن روحانی، دبیر پیشین تحویل گرفته‌بود و مسئول مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب شده‌بود.

▼ قطعنامه ۱۶۹۶

قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت که با ۱۴ رای مثبت و تنها رای منفی قطر تصویب شد، نخستین اقدام شورای امنیت در خصوص پرورنده هسته‌ای ایران بود. چندی پیش از صدور این قطعنامه، علی لاریجانی در مصاحبه‌ای گفته‌بود: «ایرانی‌ها هوش و حواس دارند و تفاوت اینکه دانش هسته‌ای را داشته باشند و یا به برخی تجهیزات و امکانات در زمینه اینترنت و کشاورزی دست‌یابند را می‌فهمند. نباید فکر کنید که می‌توانید با آبنیاب سر ما را گرم کنید. آیا مشکل ما اینترنت و یا مسائل مربوط به کشاورزی است؟ و یا اینکه بحث ما در مسئله هسته‌ای می‌باشد؟» این قطعنامه هر چند تحت فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب نشده‌است، اما در ماده ۸ خود هشدار می‌دهد اگر در بازه زمانی معین ایران تمام الزامات این قطعنامه را رعایت نکند، اقدام بعدی شورای امنیت تحت ماده ۴۱ منشور ملل متحد، تحت فصل هفتم (اقدامات اجرائی) صورت خواهد گرفت. در این قطعنامه از ایران خواسته‌شده‌است کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و تولید راکتور آب سنگین را متوقف کند و به تمامی سوالات باقیمانده آژانس پاسخ‌دهد و اجرای پروتکل‌های الحاقی پیمان عدم اشاعه را از سر بگیرد. در این قطعنامه هیچ تحریمی علیه ایران به صورت مشخص اعلام نشده‌است، اما از همه کشورهای جهان خواسته‌شده‌است تا احتیاط لازم را به خرج دهند و از فروش تجهیزات، مواد، کالاهای فناوری‌هایی که ایران می‌تواند از آنها در برنامه هسته‌ای یا موشک‌الاستیک خود از آن استفاده کند خودداری کند. این قطعنامه هر چند تحریمی را علیه ایران وضع نکرده‌است و تحت فصل هفتم منشور ملل متحد نیست، اما به خودی خود خطرناک‌است، چراکه دقیقاً مشابه خواست اخیر آمریکا برای توقیف غنی‌سازی اورانیوم در ایران، خواهان توقف تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی می‌شود و بر خلاف خواست آمریکا که یک خواست یکجانبه و فرافانونی است، به این درخواست جنبه بین‌المللی و الزام‌آور می‌دهد.

▼ قطعنامه ۱۷۳۷

قطعنامه ۱۷۳۷ نخستین قطعنامه تحریمی شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد و مطابق ماده ۴۱ منشور، علیه برنامه هسته‌ای ایران است. این قطعنامه تالی منطقی قطعنامه ۱۶۹۶ بود و بر اساس تهدید همان قطعنامه مبنی بر اقدام تحت فصل هفتم منشور تصویب شد. این قطعنامه به پیشنهاد آلمان، انگلیس و فرانسه به رای گذاشته‌شد و ۱۵ رای مثبت و اجماع شورای امنیت سازمان ملل متحد در دی‌ماه ۱۳۸۵ علیه ایران تصویب شد. در این دوران جایگاه بین‌المللی ایران در جامعه جهانی به دلیل اظهار نظر‌ها و موضع‌گیری‌های محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، بسیار تضعیف شده‌بود و هیچ‌یک از اعضای شورای امنیت حاضر به حمایت از ایران در مقابل این قطعنامه نشدند. مذاکرات علی لاریجانی با